

## بحران اعتماد نسبت به ناتو در افغانستان

افغانها، به توان و بعضاً به نیتِ ناتو در امرِ تأمین صلح در زاد گاه شان بی باور شده اند. زیرا اگر درست است که این جنگ تا کنون به شکست نظامی نرسیده است، شکست سیاسی آن تمام عیان است: کشته شدن صد ها سرباز ناتو، نیرومند شدن روز افزون طالبان، قربانی های بیشمار افرادِ ملکی، پایه گذاری یک دولتِ تا مغز استخوان فاسد، ناکامی در باز سازی، ائتلاف حقوق مردم و شیوع فقر بی سابقه در بین لایه های بی بضاعت اجتماعی، «افزایش خشونت به ۳۰۰% درین اواخر» و اوج انزجار عمومی از پی آمدِ انتخابات ریاست جمهوری که از آن یک شکست پُر از «تعفن» بیرون آمد. سوال به میان می آید، که چرا این سرا پا شکست و ناکامی؟ در حالیکه توانمند ترین دول جهان سکان این روند را مشترکاً در دست دارند، آبروی بین المللی و اعتبار ملی هر یک به پیروزی این پروسه بسته گی دارد.

در رابطه به جوابِ این سوال، البته نظر ورزی ها زیاد است: کسی میگوید که هر پیروزی مسلماً میتواند عاملِ تأمین صلح باشد و چون آمریکا-ناتو میخواهند ضرورت موجودیت خود را در منطقه دوامدار نشان دهند، وضع را عمدی مغشوش میسازند.

دیگری میگوید، که درجنگ مخفی رقابت میان اتحادیه اروپا و آمریکا بر سرِ تأمین منافع و تسلط بر منطقه، پای افغانها دارد میشکند.

سومی بی نظمی وعدم انسجام در بین قطعات ناتو را ملامت کرده وعده ای هم اظهار می دارند که جنگِ افغانستان، جنگ میان اقوام درانی و غلجایی است، دست خارجی به عوض این که آنرا خاموش سازد، شعله ورتر میسازد.....

تا کنون، متأسفانه کدام تحلیلِ منسجم متکی به فاکت‌های عینی ایکه توضیح کننده این شکست ها باشد، نه از جانب صاحب نظران افغانی ونه از طرف مبصرین و تحلیلگران خارجی به دست نشر رسیده است. یا حد اقل من به آن بر نخورده ام.

ما درینجا تلاش میکنیم از دیدگاه خود به این سوال جواب بآوریم. البته تا آنجا که دسترسی ما به

حوادث اجازه می‌دهند، وقایع و حوادث را از آغاز به تحلیل گرفته اشتباهاتی را که در مسیر وقوع حوادث از نظر ما باعث ایجاد وضع کنونی شده است، برجسته می‌سازیم.

از دیدگاه ما، ما ضربه ۱۱ سپتامبر، رهبران ایالات متحده را چنان گیج ساخت که در هجوم شتابان بر طالبان در افغانستان، انتقام جویی را با عدالت خواهی به اشتباه گرفتند. فرق بین القاعده و طالبان را (که در حادثه ۱۱ سپتامبر سهم نداشتند) فراموش کرده و نفرت و ترس مردم از باز به قدرت رسیدن مجاهدین را از نظر انداخته و نقش مذهب و منسوبین دستگاه مذهبی را به بازی گرفت.

گذشته از آن، این مداخله نظامی خارج از یک چوکات سیاسی که لزوم آن را توضیح کند صورت پذیرفت. اداره بوش احساسات جهانیان را گروگان گرفته انتقامجویانه بدون اینکه به افکار عامه جهانی قناعت دهد به هجوم پرداخت. از پی آن تلاش برای ایجاد یک نظام طراز غربی در یک چارچوب فرهنگی و ژئوپولیتیک مغلق و کاملاً متفاوت، پا مال کردن معیارهای اخلاقی و دست زدن به همان جنایاتی که دیگران قبلاً به آن دست زده بودند، در مجموع، کلید درک وضع فاجعه بار موجود کنونی را بدست می‌دهد

ایالات متحده بعد از این که طالبان کانتروال کشور را از دست دادند، نباید به عملیات‌های پیگردی «تعقیب افراد خطرناک» که لیست آنها بر مبنای دشمنی‌های شخصی یا مخالفت‌های قومی از طرف افراد مشکوک آماده شده بود اقدام ورزد. درین فضای پر آشوب هر یک کوشش کرد که دشمنان خود و حتی سران اقوام رقیب را که طی بیست سال جنگ به آن ضربه وارد آورده نتوانسته بود توسط قوای آمریکایی ساده از بین ببرد، که این خود سلسله بی‌عدالتی‌ها و در نتیجه دشمنی با ناتو را دامن زد. به این ترتیب قوای آمریکایی که به نام قوای رهایی بخش از ظلمت طالبی به سر زمین ما پا گذاشته بود زود به قوای اشغالگر سرکوبگر که بر حریم خانواده‌ها تجاوز کرده و روستاها را در بست نابود می‌کند، مشهور شد. گویند علت اینکه سایر نیروهای ناتواز اردوی آمریکا در افغانستان «دوری می‌جویند» و در نتیجه بین آنها انسجام و تقسیم کار در اجرای وظایف وجود ندارد، همین است که آنها نمی‌خواهند با قطعات پنتاگون یکسان پنداشته شوند. اما فکر میشود که همه این تلاشها بی‌فایده اند، برای مردم افغانستان قوای خارجی، قوای خارجی است.

چندی بعد از آوردن این همه آشوب و ویرانی ناتو خواست «چار زانو بنشیند». از چندی به این طرف کشور های عضو پروگرام کمک رسانی به اهالی زیر نام Win Hearts and Minds (جلب احساسات «مغزها» و قلب‌ها) توسط نظامیان را روی دست گرفت که این هم یک پروگرام سرا پا ناکام است.

Laurent Saillard رییس اداره انسجام کمک رسانی NGO ها برای افغانها (Agency

Coordinating Body for Afghan Relief) که مقر آن در کابل است ، در یک گزارش که در شماره ۷ نوامبر روزنامه هیومانیتیه زیر عنوان «در یک دست پول ، در دیگر تفنگ» به چاپ رسیده است ، مینوسد: « وجوه این پروگرام- که هدف اصلی آن آوردن سهولت درمحل ماموریت نظامیان است- پیوسته افزایش می یابد. چنانچه کانگرس آمریکا تخصیص آنرا درین اواخر به دو چند بلند برد. این پروگرام را که میشود نظامی سازی کمکهای جامعه جهانی به افغانستان نامید ، امروز از طرف تمام کشور های عضو ناتو روی دست گرفته شده است و از آغاز پروگرام تا کنون صد ها ملیون دالر در پروژه های عموماً غیر قابل توجیه، در شرایط فاقد هرگونه نظم ، با سطح بسیار نازلِ کنترل و حسابدهی، به مصرف رسیدند. که در نتیجه طول عمر پروژه ها بسیار کوتاه و تناسب مصرف- موثریت ، فاحه بار بوده اند. و نبودِ کنترل در مصرف موجب اوجگیری فساد شده است. علاوهً هدف گیری غلط در تعیین پروژه ها و نبودِ شناخت از منافع گروه های اجتماع محل ، پروژه کشیده گی ها میان اهالی را ایجاد کرده است.»

نویسنده علاوه میکند « توزیع کمکها به اهالی روستا ها از جانب نظامیان ، روابط ناسالم و مبهم میان اهالی و ناتو را ایجاد کرده است.

اگر اهالی روستا ها از روی احتیاج کمک را می پذیرند ، آنقدر ساده دل نیستند که در برابر آن ازین تفنگداران که پیوسته همقطاران شانرا میکشند، حمایت کنند. حساب کردن روی این کمک ها در حقیقت حقیر شمردن یک ملت و توزیع آنها یک پراتیک نفرت انگیز و تحقیر آمیز در برابر یک مردم بسیار نجیب است.

چگونه امکان دارد که بر مبنای چنین مناسبات تحقیر آمیز، با یک مردم غیور، روابط حسن اعتماد ایجاد گردد؟»

اما ایجاد حسن اعتماد میان مردم افغانستان و ناتو، یک امر حیاتی برای ناتوست. زیرا اگر همین روال تجرید دوام کند روزی ناتو در برابر اکثریت ملت افغان قرار خواهد گرفت و آنروز فاجعه بار خواهد بود. از نظرما، همین حالا یک زمینه مناسب برای ایجاد مرحله اول ایجاد حسن اعتماد میان اهالی و ناتو بوجود آمده است: حکومت جدید با حمایت جدی جامعه بین المللی میتواند یک کامپاین ملی داد خواهی علیه غا صبین را آغاز کند. درین کامپاین تمام آنهایی را که دارایی عامه و دارایی های شخصی مردم را غصب کرده اند، چه در داخل و چه در خارج از کشور قرار دارند احضار و به پای محکمه علنی ایکه از طریق رسانه ها پخش شود، بکشانند. دارایی های غارت شده را دوباره به صاحبان اصلی و به بیت المال تحویل دهند. انجام اینکار اولاً تا حدود زیادی اعتماد به عدالت را، که از جامعه کاملاً رخت بسته است بر میگردداند. ثانیاً به حکومت جدید اوتوریتته ایرا که شدیداً به آن ضرورت دارد میدهد و سر

انجام به ناتو که از یک امر عادلانه به نفع جامعه حمایت و پشتیبانی کرده است تا حدود زیادی حسن اعتماد میبخشد.